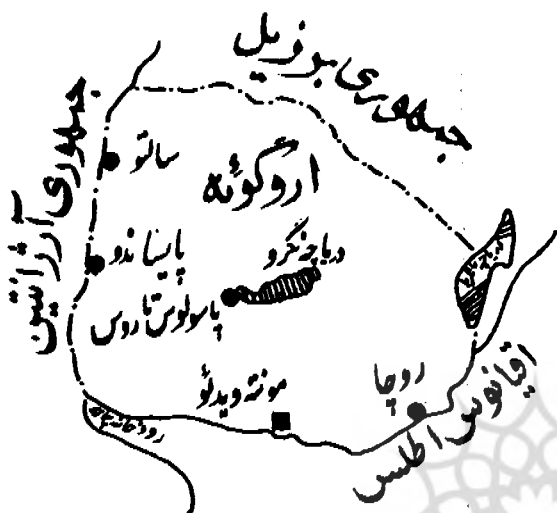


کشاورزی، صنعت و تجارت خارجی در اروگوئه



کشاورزی

با وجود نقش مهمی که بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی اروگوئه ایفا نموده از دهه ۱۹۳۰ این بخش بیشتر بعنوان منبعی که می تواند

در خدمت صنعت و طبقات شهری قرار بگیرد مطرح بوده است تا بعنوان موتور رشد اقتصادی کشور، در این راستا تا اواخر دهه ۱۹۷۰ قیمت بسیاری از تولیدات کشاورزی توسط دولت کنترل می شد. بعنوان مثال، در سال ۱۹۷۴، حدود ۶۶ درصد از ارزش ناخالص تولیدات کشاورزی توسط مدیریت ملی تعیین درآمدها، قیمتها و هزینهها (۱) (DINACOPRIN) قیمت گذاری می گردید، که تولیدات دامی ۸۵ درصد آن را تشکیل می دادند. به دنبال چرخشی در سیاستهای دولت، در اواخر سال ۱۹۷۸، قیمت محصولات کشاورزی آزاد اعلام شد و آن پس، تنها برای برخی از محصولات نظیر: گندم و شیر، قیمت گذاری صورت می گرفت.

بطور کلی از امکانات بالقوه بخش کشاورزی در اروگوئه استفاده کامل بعمل نیامده است. از ۱۶/۵ میلیون هکتار زمین قابل

(1): National Directorate for Cost, Prices and Incomes.

کشت ، حدود ۱۵ میلیون هکتار آن علفزار است . این اراضی دارای بازده پائین بوده و تولید و بازاریابی محصولات آنها بطور کامل توسعه پیدا نکرده است . فعالیت بر روی زمینهای ضعیف ، حاصلخیزی خاک را کاهش داده و موجب فرسایش آن گردیده است به نحوی که اکثر زمینها به بازاری نیازمندند . مشکل دیگر ، محدودیتهای فنی است که در کمک به کشا و رزان در بعضی از مناطق وجود دارد . بخش وسیعی از خاکهای حاصلخیز در شمال و قسمتهای در شرق کشور - به دلیل دور بودن این مناطق از مراکز جمعیت و بنا در - مورد استفاده قرار نگرفته اند .

اکثر زمینهای کشا و رزی اروگوئه نسبتاً "بزرگ هستند . در سال ۱۹۸۰، ۷۳ درصد از زمینها بیش از ۵۰۰ هکتار و ۹۳ درصد از آنها بیش از ۱۰۰ هکتار مساحت داشتند . در همین سال ، حدود ۶ درصد از املاک و مزارع مورد بهره برداری در اختیار مالکان آنها بوده است . در سال ۱۹۸۳ نیروی کار در بخش کشا و رزی حدود ۱۶۰ هزار نفر (۲/۳ کارگر برای هر مزرعه و ۱۰۰ هکتار برای هر کارگر) بوده که ۶۴ درصد از آنها را مالکان و یا وابستگان آنها تشکیل میدادند .

سهم بخش کشا و رزی در تولید ملی از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۶ تغییر زیادی نداشته و از ۱۲/۴ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۱۲/۷ درصد در سال ۱۹۸۶ رسیده است . بالاترین رقم در این زمینه ، بین سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ - به دلیل افزایش قیمت های جهانی - بود که به ۱۸ درصد بالغ گردید . اهمیت بخش کشا و رزی در اقتصاد کشور هنگامی بیشتر آشکار می گردد که نقش آن را در تامین مواد اولیه صنعتی و درآمدهای صادراتی کشور مدنظر قرار دهیم .

دامداری عمده ترین رشته مربوط به کشا و رزی است و پس از آن فعالیت های زراعی و شیلات در رده های بعد قرار می گیرند . اروگوئه به

سبب داشتن اراضی مستعد جهت ایجاد مراتع و آب و هوای مناسب در زمینه تولید دام، از مزیت نسبی برخوردار است. تولید دام بر اساس یک الگوی ادواری صورت می‌گیرد که عمده تحت تاثیر قیمت‌ها و تقاضای خارجی و میزان کارآیی در اداره گله‌های گا و گوسفند قرار دارد. سیاست‌های جامعه اقتصادی اروپا در زمینه کنترل واردات گوشت از یکسو و حمایت از تولید داخلی بوسیله سوبسید از سوی دیگر، صادرات کشورهای صادرکننده‌ای چون اروگوئه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بعنوان مثال، جامعه اقتصادی در سال ۱۹۷۰ حدود ۵۸ هزار تن گوشت گا و ازاروگوئه خریداری نمود. حال آنکه این رقم در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ به ترتیب به ۲۶ و ۱۳ هزار تن تقلیل یافته در سال‌های اخیر این جامعه توانسته است با استفاده از سوبسید، به صورت یکی از صادرکنندگان گوشت با اروگوئه رقابت نماید. بنابراین، چنانچه اروگوئه بخواهد با زارهای صادراتی مطمئن خود (نظیر مصر و ایران) را حفظ نماید، بایستی قیمت‌های خود را زیر قیمت‌های جامعه اقتصادی قرار دهد. عامل دیگری که بر تولید دام اثر می‌گذارد، کارآئی پائین تولید است. بعنوان مثال، نرخ ذبح سالانه به کل گله در اروگوئه ۱۵ تا ۱۷ درصد است در حالی که این رقم در آرژانتین ۲۵ درصد، در استرالیا ۳۴ درصد و در آمریکا ۳۷ درصد می‌باشد. این امر باعث گردیده تا پرورش یک دام ۲۳۰ کیلوئی، ۴/۵ سال به طول انجامد. در صورتی که اگر این مدت به ۲/۵ سال تقلیل یا بدهم کیفیت گوشت بهتر خواهد بود و هم فشار بر روی مراتع کمتر خواهد شد.

وضعیت دام تحت تاثیر شرایط بازاری جهانی تغییرات چشمگیری داشته و میزان تقاضا برای گوشت گا و و پشم گوسفند نیز در ترکیب دامها موثر بوده است. با این وجود مجموع گله گا و گوسفند در سال ۱۹۸۵ نسبت به تعدادی که در شماری سال ۱۹۰۸ بدست آمده تغییر چندانی نشان نموده.

زمینهای که به کشت محصولات کشا ورزی اختصاص داده شده، در مقایسه با دامداری، از وسعت کمتری برخوردار است و زمینداران به دلیل شناخت بهتر از تشکیلات و کانال های بازاریابی در بخش دامداری، از زراعت استقبال کمتری می کنند. حدود $\frac{3}{4}$ از زمینهای زیرکشت به تولید غلات اختصاص دارد که محصول عمده آن گندم است. زمین اختصاص یافته به کشت ذرت نیز با اینکه دومین محصول کشا ورزی است - محدود می باشد. سایر محصولات زراعی عبارتند از: پنبه، چغندر قند و گل آفتابگردان - که تولید آن در اشرمشوق های ویژه ای که در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ در مورد آن به اجرا گذاشته شد، افزایش یافت - برنج، جو، جودوسر (یولاف) و مرکبات از جمله محصولاتی هستند که سطح زیرکشت آنها توسعه یافته است.

بخش عمده ای از تولید محصولات کشا ورزی با روشهای سنتی و با استفاده از زمینهای کم بازده و بذرهایی اصلاح نشده انجام می گیرد. تاخیر در کاشت، عدم امکان از بین بردن علفهای هرزه و استفاده ناچیسز از نهاده های مانده: کود از دیگر ویژگیهای بخش سنتی کشا ورزی در ار و گوئه است. استفاده از کود و مواد شیمیایی (نظیر سم و علف کش) بیشتر توسط کشا ورزانی که شیوه های مدرن را بکار گرفته اند مورد استفاده قرار می گیرد. بالاترین میزان تولید گندم در ار و گوئه در سال ۱۹۷۷ و به میزان ۵۵۴ هزار تن بوده است که مساحتی معادل ۵۴۰ هزار هکتار را شامل گردیده است. لکن از سال ۱۹۷۸ و پس از آزاد شدن قیمت و صدور گندم - علی رغم افزایش بازده در واحد سطح - میزان تولید روندی روبه کاهش داشته است. در سال ۱۹۸۵ از ۲۲۸ هزار هکتار زمین، ۳۴۹ هزار تن گندم بدست آمده است. در سال ۱۹۸۶ تولید گندم با حدود ۳۰ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۲۴۶ هزار تن تنزل یافته است.

مجمولات عمده کشتا ورزی

واحد: هزار تن

سال	شرح	۱۹۸۰-۸۱	۱۹۸۱-۸۲	۱۹۸۲-۸۳	۱۹۸۳-۸۴	۱۹۸۴-۸۵	۱۹۸۵-۸۶
۴۲۰	تنی شکر	۴۸۰	۵۵۱	۵۵۲	۵۸۶	۶۳۷	
۳۰۷	گندم	۳۸۸	۳۶۳	۲۱۹	۲۴۹	۲۴۶	
۳۳۰	برنج (شلتوک)	۴۱۹	۳۲۳	۳۴۰	۴۲۱	۳۹۴	
۳۴۶	چغندر فند	۳۶۷	۳۹۴	۲۷۱	۱۷۷	۲۸۳	
۱۳۰	سید زینی	۱۴۹	۱۰۹	۱۴۴	۱۶۳	۹۶ (۱)	
۱۷۲	ذرت خوشه‌ای	۱۲۳	۱۰۷	۱۱۹	۱۵۲	۱۰۵	
۱۸۱	ذرت	۹۷	۱۰۴	۱۱۲	۱۰۸	۷۶	
۱۳۵	انگور	۱۱۴	۱۰۵	۱۱۷	۱۲۰	۱۰۷ (۲)	
۵۶	جو	۸۵	۴۵	۸۱	۱۱۳	۸۰	
۴۵	تخم آفتابگردان	۴۶	۱۹	۲۶	۳۱	۷۲	

(۱): غیر رسمی

(۲): تخمینی

EIU, Country Profile, Uruguay, 1988-89 (London: EIU Pub. 1988), P. 13.

ساخت:

تولید دام و فرآورده‌های دامی

واحد: هزار تن

سال	شرح	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶
۳۷۹	گوشت گاو و گوساله	۳۹۰	۴۳۱	۲۹۸	۳۳۴	۳۵۲ (۱)	
۴۹	گوشت گوسفند و بیره	۴۹	۵۰	۲۳	۴۵	۵۲	
۱۵	گوشت خوک	۱۷	۱۸	۱۸	۱۶	۱۶	
۸۰۵	شیر	۸۱۸	۸۴۰	۸۳۶	۸۹۴	۹۴۰	
۷۱	پشم چرب	۷۵	۸۲	۸۲	۷۱	۹۱	

(۱): تخمینی

EIU, Country Profile, Uruguay, 1988-89, (London: EIU Pub. 1988), P. 12.

ساخت:

رقابت صنایع داخلی در بازارهای جهانی، متوسط رشد سالانه بخش صنعت در دهه ۱۹۶۰ به ۱/۳ درصد محدود گردید (در حالی که متوسط نرخ رشد در کشورهای آمریکا لاتین ۶/۸ درصد بود).

رکود اقتصادی اوایل دهه ۱۹۷۰ در سیاستهای دولت تغییر اساسی پدید آمد. که از آن جمله می توان، برقراری سیستم دوگانه نرخ ارز و ایجاد سیستم نرخ خزنده ارز^(۱) و تشویق صادرات کالاهای غیر سنتی را نام برد. این اقدامات باعث گردید تا رشد سالانه تولیدات صنعتی در خلال دوره ۱۹۷۴-۸۵ به ۶ درصد بالغ گردد. پویا ترین زیربخشهای صنعت عبارت بودند از: لوازم الکتریکی، حمل و نقل، نساجی، کاغذسازی و چاپ و مواد معدنی غیر فلزی. در این زمان تولید محصولات صادراتی بسرعت گسترش می یافت. اما هنگامی که دولت سعی نمود تا با لایروبی ارزش پزو در جهت کنترل تورم داخلی عمل نماید، قدرت رقابت محصولات صنعتی بین سالهای ۱۹۷۹-۸۱ به تدریج کاهش یافت. بروز مشکلات اقتصادی در برزیل و کاهش ارزش پول آرژانتین (از شرکای عمده تجاری اروگوئه) و با لانگداختن ارزش پول اروگوئه تقاضا برای کالاهای صنعتی را به مقدار زیادی تقلیل داد. بین سالهای ۱۹۸۱-۸۴ صنعت کشور با ۲۰ درصد کاهش تولید، بحران بزرگی را پشت سر نهاد. میزان اشتغال نیز به همین میزان کاهش یافته تنها بخشهای نظیر: نساجی، پوشاک، کاغذسازی و تولید کالاهای اساسی کشاورزی از رشدی کنواختی برخوردار بودند.

در سال ۱۹۸۴، ارزش افزوده بخش صنعت، ۳۹/۵ درصد از کل ارزش ناخالص تولید را تشکیل می داد که بخش عمده آن بابت هزینه بهره صرف گردیده است. هزینه کار (شامل تامین اجتماعی) حدود ۲۳/۷ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت و ۹ درصد از ارزش تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. افزایش بدهیها و هزینههای مالی ناشی از آن، از عمده ترین

مشکلات بخش صنعت بشمار می‌روند. بعنوان مثال، در سال ۱۹۸۲ حدود دو بیست کارخانه - که دفاترشان را در دسامبر همان سال بسته بودند - گزارش کردند که هزینه‌های مالی رقمی حدود ۲۲ درصد از فروش خالص آنها را تشکیل می‌داده است. برای شرکت‌های صادراتی (با بدهی‌های دلاری) این رقم ۳۹ درصد بوده است.

این وضعیت نتیجه سیاست‌های اقتصادی دنیا ل شده در سال‌های ۱۹۷۸-۸۲ می‌باشد که اولاً "سودآوری محصولات صادراتی را کاهش توانیا"، با ورود سرمایه‌های خارجی و آزادسازی بخش مالی، نقدینگی را در سیستم بانکی بشدت افزایش داد و شرکت‌ها را به اخذ وام‌های سنگین تشویق نمود، ثالثاً "نرخ‌های واقعی بهره از منفی به مثبت تغییر یافت و رابعاً"، وام گیرندگان به دلیل نرخ بهره پایین تر به اخذ وام‌های دلاری تشویق شدند.

بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ نرخ‌های بهره تحت کنترل و نرخ‌های واقعی بهره منفی بودند. سودنا ویژه با لایود و از اینرو افزایش بدهی‌ها قابل تحمل بود. اما با حذف سقف نرخ‌های بهره، نرخ‌های واقعی بهره افزایش یافته و مثبت گردیدند. لکن با لایودن تقاضا و بازده واقعی سرمایه شرکت‌های صنعتی را به تداوم استقرای و ادا نمود. زمانی که تقاضا کاهش یافت و نرخ‌های بهره واقعی به افزایش خود ادامه دادند، صنایع بشدت تحت فشار قرار گرفتند و متعاقباً "کاهش ارزش پس‌ز و نیز باعث گردید تا پرداخت اصل و فرع وام‌های دلاری نیز بر حسب پول داخلی شدیداً افزایش یابد. در این شرایط شرکت‌ها مجبور شدند برای جلوگیری از ورشکستگی، اقدام به اخذ وام‌های جدید کنند. اگرچه کمک‌های بعدی بانک مرکزی تا حدی زیان این شرکت‌ها را جبران نمود، اما بخش

شاخص تولید محصولات صنعتی (۱۹۷۸ = ۱۰۰)

۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	
۱۱۱	۱۰۲/۲	۱۱۲/۹	۱۱۵/۵	۱۱۷/۸	۱۰۹/۲	۱۰۱/۱	مواد غذایی
۸۴/۹	۸۱/۹	۹۰/۵	۱۰۷/۱	۱۲۴/۳	۱۱۴/۵	۱۱۴/۵	منروبات
۱۰۰/۱	۱۰۲	۸۴/۲	۶۲/۴	۱۰۴/۵	۱۱۸/۴	۱۱۴/۸	نساجی
۶۸/۵	۷۴/۲	۶۳/۶	۵۲/۷	۸۰/۸	۹۰/۷	۹۱/۹	پوشاک
۹۴/۶	۱۰۳/۴	۸۴/۵	۸۳/۸	۱۰۳/۲	۱۱۸/۵	۱۱۴/۶	کاذغومقوا
۸۸	۸۲/۴	۷۴/۶	۸۷/۴	۱۰۵/۶	۱۰۹/۲	۱۲۷/۳	مواد شیمیایی
۷۰/۲	۷۴/۸	۷۴/۱	۸۹/۴	۸۸/۹	۹۴/۴	۹۵/۷	مشتقات نفتی
۶۲/۹	۶۱/۱	۶۰/۵	۷۵/۷	۹۸/۷	۱۱۶/۶	۱۲۶/۲	مواد فلزی
۸۰/۸	۸۱/۱	۶۳/۹	۱۲۳/۲	۱۷۶/۹	۱۸۴/۸	۱۳۶	محصولات الکتریکی
۸۱/۹	۸۳/۲	۸۰/۹	۸۷	۱۰۴/۷	۱۰۹/۷	۱۰۷/۱	شاخص کلی

(۱) : تفسیری

صنعت همچنان با فشارهای مالی روبرو است .

صنایع عمده ا روگوئه شامل صنایع غذایی (گوشت، شکر، شیر، آبیعیوه و شراب)، پوست و چرم، نساجی، ساختمان، ذوب فلزات و لاستیک می باشد. در سال ۱۹۸۱، صنعت مواد غذایی ۲۷ درصد، تصفیه نفت ۱۵ درصد، مواد شیمیائی ۸ درصد، نساجی و مشروبات هریک ۷ درصد و پوشاک ۴ درصد از کل تولیدات بخش صنعت را تشکیل می دادند. شاخه‌هایی که در دهه ۱۹۷۰ بیشترین رشد را داشتند عبارتند از: نساجی و پوشاک. از اوایل دهه ۱۹۸۰، رکود اقتصادی لطمه شدیدی به فعالیت‌های صنعتی وارد ساخت اما از نیمه اول سال ۱۹۸۴ بهبودی در بخشهای کاغذسازی، مواد غذایی، منسوجات مشاهده گردیده است .

در بخش معدن، به استثنای سنگ مرمر و مصالح ساختمانی، سایر منابع معدنی از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است. برآوردهای اولیه ذخایری از طلا، منگنز، مس، سرب و روی و سنگ آهن (با عیار ۴۰ درصد) را نشان داده است. مطالعات اقتصادی - فنی جهت برپائی یک مجتمع ۱۴۰ میلیون دلاری جهت تولید فولاد نیز انجام شده است .

در ا روگوئه مواد مولد انرژی به میزانی که از لحاظ تجاری قابل استخراج باشد، کشف نشده است. تنها منبع شناخته شده انرژی در این کشور هیدروالکتریک است که از برق حاصل از آن هم برای کاهش واردات و هم برای ایجاد درآمد های صادراتی استفاده شده است. تولید برق آبی از دهه ۱۹۳۰ آغاز گردید و با توسعه های بعدی از اهمیت برق وارداتی کاسته شد. بنحوی که در نیمه اول سال ۱۹۸۴ برق وارداتی کمتر از ۲ درصد کل نیروی برق عرضه شده در کشور را تامین می نمود. براساس برآوردهای سازمان ملل، در اواخر سال ۱۹۸۵ کل ظرفیت تولید برق این کشور بالغ

برای ۱۳۰۱ مگاوات بود که از این میان ۸۸۱ مگاوات آن اختصاص به برق آبی داشت .

طی دهه اخیر سهم بخش صنعت و معدن در تولید ناخالص داخلی تغییر چندانی ننموده است . این سهم در سال ۱۹۷۶ به ۲۳ درصد و در سال ۱۹۸۶ به ۲۲ بالغ گردیده است سهم انرژی (آب ، برق و گاز) در تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۱ ، معادل ۱/۴ درصد بوده که در سال ۱۹۸۳ به ۱/۷ درصد افزایش یافته است . در سال ۱۹۸۶ سهم انرژی در تولید ناخالص داخلی معادل ۱/۸ درصد گزارش شده است .

– بازگانی خارجی *****

سیاست بازگانی خارجی اروگوئه ، در راستای بهبود موقعیت تجاری کشور ، بر پایه ایجاد مشوق برای صادرات و سیاستهای وارداتی مناسب قرار داشته و در این راه با موانع و مشکلات عدیده ای روبرو بوده است . از سال ۱۹۷۳ مالیاتهای صادراتی کالاهای سنتی (گوشت و پشم) از ۲۱ درصد به ۲ درصد در سال ۱۹۷۶ کاهش داده شده و برای صدور کالاهای غیر سنتی نیز پرداخت سوبسید و بازپرداخت قسمتی از مالیاتهای اخذ شده (که معادل ۱۹-۲۱ درصد ارزش صادرات بود) اعمال گردیده است . لکن این امر سبب بالابردن حقوق گمرکی جبرانی ، از سوی کشورهای واردکننده گردید و بناچار در سال ۱۹۷۹ مشوقهای صدور کالاهای اساسی بشدت کاهش یافتند . در سال ۱۹۷۹ اروگوئه مقررات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت را در مورد سوبسیدها و عوارض جبرانی پذیرفت و در سال ۱۹۸۱ اعلام نمود که مایل است سیستم برگشت مالیات را حذف نماید . از دیگر تسهیلات صادراتی می توان از : ارائه تسهیلات مالی توسط بانک مرکزی

(پیش از صدور کالاهای صادراتی)، معافیت مالیاتی درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه صدور کالاهای صنعتی، معافیت کالاهای صادراتی از مالیات بر ارزش افزوده و معافیت مالیاتی عواید حاصل از قانون توسعه صنعتی و نیز معافیت کالاهای سرمایه‌ای از کلیه تعرفه‌ها و عوارض بندری نام برد.

در زمینه واردات - علی‌رغم حمایت اولیه از توسعه سیاست‌های جانشینی واردات - از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا اندازه‌ای آن به صورت یکسری از اهداف اصلی سیاست‌های وارداتی دولت درآمد. حذف سهمیه‌های وارداتی و مالیات‌های اضافی که بر کالاهای وارداتی بسته می‌شد از عمده‌ترین اقداماتی بود که در این راستا صورت گرفت. مالیات‌های وارداتی از ۳۰۰ درصد در سپتامبر ۱۹۷۴ به ۳۴ درصد در ژوئیه سال ۱۹۸۵ تقلیل یافتند و عوارض بندری و کنسولی نیز به ترتیب از ۱۸ و ۱۰ درصد به ۲ و ۴ درصد کاهش پیدا نمودند. لکن، کنار گذاشتن سیاست حمایت از تولیدات داخلی در مقابل واردات در سال ۱۹۸۱ باعث افزایش شدید واردات گردید.



میزان و ترکیب صادرات و واردات

ارزش صادرات از ۱۰۲۲/۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ به ۱۱۸۹/۱ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ افزایش یافته است. طی همین مدت شاخص میزان صادرات (۱۰۰ = ۱۹۸۰) از ۲/۱۰۷ به ۷/۱۲۸ بالغ گردیده است. البته در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ در میزان ارزش صادرات این کشور کاهش‌های قابل ملاحظه‌ای دیده شد که عمده‌ترین ناشی از کاهش صادرات کالاهای سنتی این کشور (خصوصاً "پشم و فرآورده‌های آن و گوشت) و کاهش قیمت‌های صادراتی آنها بوده است.

بین سالهای ۱۹۸۰-۸۵، سهم کالاهای سنتی از ۳۹/۳ درصد به ۳۴/۴ درصد تقلیل یافته و در مقابل سهم کالاهای غیر سنتی در صادرات اروگوئه از ۶۰/۷ به ۶۵/۶ افزایش یافته است. اقلام عمده صادراتی اروگوئه عبارتند از: پشم و فرآورده‌های آن، گوشت گاو و گوسفند، پوست و چرم و محصولات چرمی و برنج.

سهم صادرات در تولید ناخالص داخلی از ۱۸ درصد در سال ۱۹۸۲ به ۲۳/۷ درصد در سال ۱۹۸۵ رسیده است که براساس برآوردهای مقدماتی این رقم در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به ترتیب حدود ۲۵/۵ و ۲۲ درصد می‌باشد. ارزش واردات این کشور از ۱۱۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ به ۷۰۶/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ تقلیل یافت که این کاهش عمده ناشی از رکود اقتصادی و نیاز کمتر به نفت و وارداتی بوده است. رشد سریع تولید ناخالص داخلی در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ باعث افزایش شدید واردات در این سالها گردید، بنحوی که ارزش واردات اروگوئه در سال ۱۹۸۷ به حدود ۱۱۳۰ میلیون دلار رسید.

اقلام عمده وارداتی شامل: مواد غذایی و آشامیدنیها، سوخت و مشتقات آن، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل و محصولات صنعتی نیمه ساخته می‌باشد. در سال ۱۹۸۶ ارزش واردات اقلام فوق به ترتیب ۲۳/۳، ۱۴۰/۳، ۱۰۱/۸ و ۳۹۳/۱ میلیون دلار بوده است. همانطور که در جدول مربوطه دیده می‌شود، مواد خام و کالاهای واسطه‌ای نزدیک به ۸۵ درصد از واردات اروگوئه را در سال ۱۹۸۵ تشکیل داده‌اند و سهم کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای در واردات این کشور به ترتیب به ۷/۲ و ۷/۷ درصد محدود می‌گردیده است. سهم واردات در تولید ناخالص داخلی از ۲۲/۳ درصد در سال ۱۹۸۲ به ۱۶/۶ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته است که براساس برآوردهای

مقدما تی این سهم در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به ترتیب ۱۹/۲ درصد و ۲۰/۲ درصد می باشد .

رکودا اقتصاد ی و کاهش شدید واردات باعث گردید تا ترا از تجاری اروگوئه در سال ۱۹۸۳ از ما زادی به میزان ۲۵۷/۶ میلیون دلار برخوردار شود و علی رغم بهبودا اقتصاد ی و افزایش شدید واردات در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ ، این کشور در پایان سال ۱۹۸۷ با ما زادی معادل ۵۹/۳ میلیون دلار روبرو بوده است .

– چگونگی مبادلات بازرگانی با کشورها

برزیل ، ایالات متحده آمریکا و آرژانتین عمده ترین شرکای تجاری اروگوئه به حساب می آیند و بعدا از آنها می توان از آلمان غربی ، ایران ، فرانسه ، شوروی و انگلستان نام برد .

علی رغم کاهش ی که از سال ۱۹۷۹ در مبادلات تجاری با برزیل پدید آمده ، این کشور همچنان بعنوان بزرگترین طرف تجاری اروگوئه باقی مانده است . میزان مبادلات با برزیل از ۳۷۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۲۶۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ تقلیل یافته است که حدود ۱۷ درصد از تجارت خارجی اروگوئه را تشکیل می دهد . در همین سال ، سهم ایالات متحده آمریکا در مبادلات تجاری اروگوئه به حدود ۱۵ درصد و سهم آرژانتین به حدود ۸ درصد بالغ گردیده است . سهم آلمان غربی و جمهوری اسلامی ایران نیز حدود ۹ درصد بوده است . به عبارت دیگر ، پنج کشور فوق سهمی نزدیک به ۶۰ درصد از مبادلات تجاری اروگوئه را در اختیار دارند و طبیعی است که در چنین شرایطی اوضاع و احوال اقتصاد ی اروگوئه به میزان قابل توجهی تابع اوضاع اقتصاد ی در این کشورها خواهد بود .

تجارت خارجی اروگوئه

واحد: میلیون دلار

سال		شرح				
۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	
۱۱۸۹/۱	۱۰۸۷/۸	۸۵۳/۶	۹۲۴/۶	۱۰۴۵/۱	۱۰۲۲/۹	صادرات (فوبه)
۱۱۲۹/۸	۸۷۰	۷۰۶/۸	۷۷۵/۷	۷۸۷/۵	۱۱۱۰	واردات (سیف)
۵۹/۳	۲۱۷/۸	۱۴۶/۸	۱۲۸/۹	۲۵۷/۶	۸۷/۱	تراز تجاری
(۱) و (۲) ۱۲۸/۷	(۱) ۱۳۱/۳	(۱) ۱۰۳/۱	۱۰۴	۱۱۹/۷	۱۰۷/۲	حجم صادرات (۱۹۸۰=۱۰۰)
(۱) و (۲) ۷۵/۴	(۱) ۶۴/۲	(۱) ۴۶	۲۸/۸	۴۹/۸	۶۶/۲	حجم واردات (۱۹۸۰=۱۰۰)

(۱): مقدماتی

(۲): زانویه - ژوئن

مأخذ: EIU, Country Profile, Uruguay, 1988-89, (London: EIU Pub. 1988), p. 22.

اقلام واردات اروگوئه

نرخ رشد				درصد کیل		میلیون دلار				
۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	
-۷/۸	-۱/۵	-۲۹/۲	-۳۲/۴	۱۰۰	۱۰۰	۷۱۵	۷۷۵/۷	۷۸۷/۵	۱۱۱۰	کیل
۰/۸	۹/۵	-۵۴/۷	-۶۰/۲	۷/۲	۱۰/۸	۵۱/۲	۵۰/۸	۴۶/۴	۱۰۲/۴	کالیهای مصرفی
-۷/۱	۲/۷	-۲۵/۲	-۲۵/۲	۸۵/۱	۷۴/۳	۶۰۸/۷	۶۵۵/۱	۶۳۸/۵	۸۵۲/۴	مواد خام و کالیهای واسطه‌ای
-۱۷/۴	-۱	-۳۴/۹	-۱۶/۶	۳۱/۲	۲۷/۵	۲۲۳/۵	۲۷۰/۵	۲۷۲/۱	۴۱۹/۶	نفت و سوخت
/۲	-۹/۵	-۲	-۳۲	۵۳/۹	۴۶/۸	۳۸۵/۲	۳۸۴/۶	۴۲۵/۱	۴۳۲/۸	سایر
-۲۱/۱	-۳۲/۲	-۳۳/۳	-۳۶/۴	۷/۷	۱۴/۹	۵۵/۱	۶۹/۸	۱۰۲/۹	۱۵۴/۲	کالیهای سرمایه‌ای

مأخذ: UN, Economic Survey of Latin America and Caribbean 1987, (N.Y.: UN Pub. 1987).

(نرخهای رشد)				(درصد هر یک از اقلام به کل)		(میلیون دلار)				
۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	
-۷/۷	-۱۱/۵	۲/۲	-۱۵/۸	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۸۵۳/۶	۹۲۴/۶	۱۰۴۵/۱	۱۰۲۲/۸	کل اقلام صادراتی:
-۱۳/۴	-۲۷/۹	۷/۹	-۱۵/۱	۳۴/۴	۳۹/۳	۲۹۳/۳	۳۲۸/۸	۴۶۹/۸	۴۳۵/۴	سنتی
-۴/۴	۱/۸	-۲/۱	-۱۶/۳	۶۵/۶	۶۰/۷	۵۶۰/۳	۵۸۵/۸	۵۷۵/۳	۵۸۷/۵	غیر سنتی
										بخشهای اصلی :
-۱۱/۵	-۳۷/۳	۲۵/۷	-۱۹/۸	۲۴/۷	۲۲/۹	۲۰۲/۳	۲۲۸/۷	۳۶۵	۲۹۰/۳	حیوانات زنده و فرآورده آنها حیوانی:
-۱۸/۷	-۳۹	۴۰/۸	-۲۰/۳	۱۲/۹	۱۴/۷	۱۱۰/۵	۱۳۵/۹	۲۲۲/۸	۱۷۰/۳	گوشت گاو
-۴/۲	-۵۳	-۲۸/۱	-۱۷	۰/۸	۱/۴	۶/۵	۷/۱	۱۵/۱	۲۱	گوسفند
-۰/۸	-۳۲/۵	۲۸/۴	-۱۹/۶	۱۰	۸/۹	۸۵	۸۵/۷	۱۲۷	۹۸/۹	سایر
۹/۵	-۷/۳	-۸/۷	-۱۷/۸	-۱۶/۶	۱۰/۲	۱۴۱/۴	۱۲۹/۱	۱۳۹/۳	۱۵۲/۵	فرآورده های گیاهی:
۴۰/۱	-۲۴/۵	-۱۷/۱	-۱۵/۵	۹/۵	۶/۱	۸۱	۵۷/۸	۷۶/۶	۹۲/۴	برنج
-۱۵/۳	۱۳/۷	۴/۳	-۲۱/۳	۷/۱	۴/۱	۶۰/۴	۷۱/۳	۶۲/۷	۶۰/۱	سایر
-۲۶/۱	-۲۰/۷	۵۸/۲	-۳۱/۲	۰/۶	۱/۸	۵/۱	۶/۹	۸/۷	۵/۵	روغنهای چربیها
-۱۵/۹	-۸/۶	۶۵/۹	-۴۲/۳	۲/۷	۳/۱	۲۳/۲	۲۷/۶	۳۰/۲	۱۸/۲	مواد غذایی، مشروبات و دخانها
-۷۵/۶	۱۴۱/۲	-۵۸/۵	-۷۹/۲	۰/۱	۱/۲	۱	۴/۱	۱/۷	۴/۱	محصولات معدنی
۳۱/۳	-۱۵/۶	-۳۵/۴	-۲۷/۶	۱/۶	۲/۰	۱۳/۵	۱۰/۳	۱۲/۲	۱۸/۹	پلاستیکها محصولات پلاستیکی
-۲۲/۲	۵/۲	-۰/۲	۰/۹	۱۳/۴	۱۳/۶	۱۱۴	۱۴۶/۵	۱۳۹/۲	۱۳۹/۵	پوست و چرم و محصولات چرمی :
-۲۳/۱	۲۱/۵	۳/۶	۴۳/۶	۷/۲	۳/۸	۶۱/۳	۹۱/۶	۷۵/۴	۷۲/۸	پوست و چرم
-۱۰/۸	-۲۲/۴	۳/۱	-۱۴/۸	۳/۲	۴/۹	۲۷/۲	۳۰/۵	۳۹/۳	۳۸/۱	چرم دباغی شده
۴/۵	-۰/۴	-۱۴/۶	-۲۲/۹	۳/۰	۴/۹	۲۵/۵	۲۴/۴	۲۴/۵	۲۸/۷	غز و محصولات غزی
-۷/۱	۵/۷	-۸/۹	-۱۱/۷	۳۰/۶	۲۹	۲۶۱/۶	۲۸۱/۷	۲۶۶/۶	۲۹۲/۵	نساجی و فرآورده های آن:
-۹/۲	-۲۲/۱	-۳۳/۲	-۲/۵	۶/۲	۹/۷	۵۲/۵	۵۷/۸	۷۴/۲	۱۱۲/۹	پشم نشسته
۲/۴	-۳۹/۴	۸۲/۷	-۳۱/۵	۲	۲/۲	۱۷	۱۶/۶	۲۷/۴	۱۵	پشم شسته
۴/۸	۳۴/۷	-۱۳/۲	-۲۱/۵	۱۱/۱	۸/۲	۹۴/۴	۹۰/۱	۶۶/۹	۷۷/۲	فتیله از الیاف غیر یکسره (Tops)
-۱۶/۶	۱۹/۶	۱۲/۰	-۸/۰	۱۱/۴	۸/۹	۹۷/۷	۱۱۷/۲	۹۸/۰	۸۷/۵	سایر
-۲۴/۸	۹/۸	-۸/۰	-۲۶/۵	۰/۹	۱/۹	۷/۶	۱۰/۱	۹/۲	۱۰	کفش و غیره
۵/۵	۹/۰	-۲۰/۰	-۸/۱	۹/۸	۱۲/۳	۸۲/۰	۷۹/۶	۷۳/۰	۹۲/۳	سایر

واردات اروگوئه از شرکای عمده تجاری

واحد: میلیون دلار

سال	کشور	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵
۱۱۱/۵	امریکا	۱۶۱/۱	۱۵۸/۲	۱۳۵	۵۲/۱	۶۶	۷۰/۷	
۱۹۲/۱	برزیل	۲۸۴	۳۲۲	۱۴۰/۶	۶۹/۹	۱۲۷/۱	۱۵۲/۳	
۱۹۸	آرژانتین	۱۷۴/۱	۱۲۸/۸	۸۶	۶۲/۳	۸۷/۴	۶۰/۲	
۹۵/۱	آلمان غربی	۱۱۱/۲	۹۹/۷	۷۷	۳۷/۴	۲۵/۹	۵۹/۸	
۲۸	ایتالیا	۴۶/۷	۳۸/۲	۲۱/۸	۹/۶	۳۰/۲	۲۰	
۱۸/۵	فرانسه	۲۹/۷	۴۱/۹	۲۶/۶	۱۵	۱۴/۸	۲۳/۴	
۱۳/۸	اسپانیا	۱۹/۱	۲۳/۳	۱۳/۲	۵/۷	۱۲/۶	۱۵/۱	
۱۴/۵	سوئیس	۱۷	۱۷/۴	۱۲/۸	۱۰/۹	۱۴/۱	۱۳/۲	
۲۰/۹	هلند	۱۵/۱	۱۴	۹	۷/۳	۸/۴	۸/۲	
۲/۹	شوروی	۳/۳	۳/۲	۱/۷	۲/۲	۲۸/۴	۲۷	
-	ایران	-	-	-	۸۹/۲	۲۹/۲	۷۸/۸	۷۰/۹
۹۳/۲	عراق	۲۱۱/۱	-	-	-	-	-	-
۳۳/۷	کویت	-	-	-	-	-	-	-
۱۴	عربستان سعودی	-	۱۷	-	-	-	-	-
۴۶/۱	انگلستان	۶۹/۱	۴۷/۸	۲۷/۱	۱۳/۸	۱۶/۱	۲۲	
۳۰/۳	ژاپن	۶۷/۹	۷۹/۷	۳۰/۵	۱۴/۹	۱۴/۳	۱۸/۶	

IMF, Direction of Trade Statistics Yearbook 1986, (Washington: 1987).

سأخذ:

صادرات اروگوشه به شرکای عمده تجاری

واحد: میلیون دلار

سال کشور	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵*
امریکا	۸۴	۸۲/۶	۹۴/۹	۷۶/۷	۱۰۳/۵	۱۳۷/۷	۱۵۸/۹
برزیل	۱۸۲/۴	۱۹۱	۱۵۲/۷	۱۴۵/۸	۱۳۱/۳	۱۰۹/۹	۱۱۳/۸
آرژانتین	۹۷/۱	۱۴۲/۳	۱۰۱/۸	۱۰۹/۱	۹۱/۹	۸۳/۷	۶۵/۳
آلمان غربی	۱۲۸/۳	۱۳۹/۶	۱۲۳/۱	۹۱/۸	۸۰/۴	۷۵/۷	۵۲/۶
انگلستان	۲۱/۷	۳۷/۴	۵۳	۳۶/۷	۴۱/۹	۳۶/۱	۳۴/۱
فرانسه	۱۵/۲	۱۴/۳	۲۱/۹	۲۳/۴	۱۷/۸	۱۳/۵	۲۰
ایتالیا	۲۷/۸	۴۶/۲	۵۵/۹	۳۸/۳	۲۰/۷	۱۸/۹	۲۷/۶
ژاپن	۸/۷	۹/۳	۱۳/۱	۱۸/۱	۲۰	۲۰/۱	۲۳/۸
اسپانیا	۱۸/۹	۱۰/۳	۱۶/۲	۱۱	۶/۹	۸/۶	۱۳/۴
هلند	۵۷/۲	۴۵/۳	۵۷/۵	۲۹/۶	۳۰/۴	۲۲/۳	۱۹/۹
شوروی	۱۳/۷	۴۸/۳	۶۶/۹	۷۸/۶	۶۱/۹	۶۱/۴	۵۸/۴
چکسلواکی	۶/۶	۱۴/۳	۹/۶	۶/۴	۸/۲	۱۵/۲	۱۴/۴
ایران	۱/۱	۳۷/۵	۴۷/۳	۵۵	۱۱۹/۸	۴۸/۵	۳۸/۸
مصر	۶/۷	۲۷/۲	۵۵/۷	۴۶/۶	۸۳/۵	۱۲/۶	۱۲
عربستان سعودی	۰/۴	۱۰/۲	۱۲/۶	۱۱/۲	۲۶/۴	۲۰/۸	۱۶/۶

* آمار تخمینی است.

IMF, Direction of Trade Statistics Yearbook 1986, (Washington, 1987).

سأخذ:

آخرین آمار حاکی از آن است که در سال ۱۹۸۷ سهم برزیل و آرژانتین در صادرات ارگوئه به ترتیب به ۱۷/۲ و ۹/۵ درصد رسیده که در مقابل آن سهم واردات از این کشورها در کل واردات ارگوئه به ترتیب ۲۴/۵ و ۷/۸ درصد بوده است. در همین سال سهم ایالات متحده آمریکا در صادرات ارگوئه ۱۴/۸ درصد و در واردات این کشور ۷/۸ درصد گردیده است.

روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با ارگوئه چه در قبل و چه پس از انقلاب، از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است. واردات عمده ایران از ارگوئه شامل: گوشت، پشم، برنج، ذرت و گندم و صادرات آن رانیز عمده^۳ نفت تشکیل می داده است. البته پس از پیروزی انقلاب ارزش واردات بیش از میزان واردات سالهای قبل از آن بوده است. در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی واردات ایران از ارگوئه به ۳۶ میلیون دلار رسید که از این میان حدود ۲ میلیون دلار برنج، ۵/۶ میلیون ذرت، ۵/۵ میلیون دلار پشم و کرک و ۴/۷ میلیون دلار راکره تشکیل داده است. در شش ماهه اول سال ۱۳۶۷ هجری شمسی واردات ایران از ارگوئه ۱۹ میلیون دلار بوده که از این مبلغ، ۱۲ میلیون دلار گوشت، ۶ میلیون دلار کره و مابقی را کالاهائی نظیر پشم و کرک و... شامل گردیده است.